

صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی
سردبیر:
کمیل تقیپور

اذان ظهر ۱۳/۱۱ | اذان مغرب ۲۶/۲۰ | نیمه شب شرعی ۰۰/۲۲ | اذان صبح فردا ۴/۳۵ | طلوع آفتاب فردا ۶/۱۲

امام سجاد علیه‌السلام:

بهترین شروع کارها، صداقت‌وراستگویی و بهترین پایان آنها وفا است.

سخن روز

بحار الانوار ج ۷۸، ص ۱۶۱



نگاره

حمید صوفی



وقتی بی تفاوت رد می شویم



فضای مجازی هنر مندان همچنان به انتشار آثارشان اختصاص داشته است.

از اکران فیلم تا اجرای تئاتر و موسیقی و انتشار کتاب در بازار نشر. هنرمندان موفقیت برخی آثار را تبریک گفته و نظراتشان را با مردم به اشتراک گذاشته‌اند که با هم برخی از آنها را می‌خوانیم.

هنرمندان در فضای مجازی

چهره‌ها

کاظم دانشی، کارگردان فیلم علف زار در صفحه خود از اکران بزرگ «علف‌زار» نوشته: «که همزمان با سالگرد آغاز فیلمبرداری این فیلم شب گذشته در پردیس ملت برگزار شد. در این مراسم بازیگران و کارگردان در کنار بهرام رادان تهیه کننده «علف‌زار» حضور داشتند و با طرفدارانشان دیدار و سپس فیلم را تماشا کردند.«علف‌زار» پرفروش‌ترین فیلم اجتماعی سال را در سینماها ببینید.

افشین هاشمی کارگردان سریال جدید شبکه مَخفی زنان با انتشار عکسی از باران کوثری گریم این بازیگر در نقش پروین اعتصامی را منتشر کرده است. او نوشته: «سعی کریم زایوه دوربین و حتی زاویه سر بازیگر، مشابه همان تصویری باشد که از پروین اعتصامی در ذهن همگان ثبت شده است.

کیومرث مرادی کارگردان نمایش «مانش» با انتشار نمایی از سام درخشانی به متفاوت‌ترین نقش او در نمایش مناش اشاره کرده و

نوشته: «مانش تئاتر تحسین شده مخاطبان، منتقدان و هنرمندان است که مورد استقبال تماشاگران قرار گرفته است. این نمایش با طراحی و کارگردانی کیومرث مرادی و به تهیه‌کنندگی مؤسسه فرهنگی هنری دی از هند هم تیرماه در پردیس تئاتر شهرزاد به روی صحنه رفته و اکنون روزهای پایانی خود را می‌گذراند. در این نمایش، سام درخشانی مهدی حسینی نیا و نازنین کریمی ایفای نقش می‌کنند. ندا نصر طراح لباس و لعی‌ا خرامان طراحی گریم این اثر را به عهده دارد. این نمایش هر شب ساعت ۲۱:۴۵ در سالن شماره ۱ پردیس تئاتر شهرزاد اجرا می‌شود.»

دیگه چه خبر

گالری ثالث در صفحه خود با انتشار بوستر نمایشگاه نقاشی‌های مرضیه میرجعفری مخاطبان هنر تجسمی را دعوت کرده تا از این رویداد هنری بازدید کنند. این نمایشگاه از ۷ تا ۱۹ مرداد ماه در خیابان کریمخان زند بین ایرانشهر و ماهشهر در گالری ثالث برپاست.

نشر مرکز در صفحه خود با انتشار تصویری از جلد کتاب ژیل دولوز اثر کالر کولبروک و ترجمه رضا سیروان که به نازگی منتشر شده، نوشته: «اندیشه‌گران انتقادی» مجموعه‌ای است که خوانندگان را با مهم‌ترین متفکران معاصر و مؤثر در عرصه‌های علوم انسانی (بوژه مطالعات ادبی و فرهنگی) آشنا می‌کند. این مجموعه طیف متنوعی از فیلسوفان و نظریه‌پردازان را در بر می‌گیرد، اما این متفکران همگی اصحاب «اندیشه انتقادی» بوده، هریک به سهم خود آثار ارزنده و راه‌گشایی برای نقادی وضعیت فکری و فرهنگی معاصر پدید آورده‌اند. این مجموعه می‌کوشد تا با معرفی مهم‌ترین آثار هر متفکر و مرور موشکافانه اندیشه‌های مطرح در آنها، افرون بر آشنایی ابتدایی، انگیزه‌ای برای خوانش‌های پیشرفته‌تر مهیا کند. هر مجلد این مجموعه می‌کوشد با گزینش دقیق، منسجم و هدفمند اندیشه‌های اساسی هر متفکر و آثار او، به‌جای دانشی سطحی، شناختی عمقی به خواننده ارائه کند.»

معافیت مالیاتی سیاستی تشویقی برای حمایت از هنرمندان است

علیرضا سمیع آرد، معافیت مالیاتی که سالیان زیادی است برای هنرمندان و خرید و فروش آثار هنری وجود دارد، یک سیاست تشویقی برای حمایت از تولید و خوداشتغالی هنرمندان، بویژه در حوزه هنرهای تجسمی است. هنرمندان تجسمی کشور سال‌ها است که بدون امکانات زیرساختی در کارگاه‌های شخصی خود مشغول به تولید ثروت برای کشور هستند و معافیت مالیاتی یک سیاست تشویقی برای چنین فعالیتی است، اگر این هنرمندان احساس کنند که با معافیت مالیاتی توجه و حمایتی ولو اندک شامل آنها می‌شود، به‌طور قطع دلگرم خواهند شد. به‌نظرم این سیاست درستی است که دولت به‌عنوان یک شاخص حمایت‌از استراتژی تولید توسط هنرمندان، برای آنها معافیت مالیاتی منظور کرده است. این سیاست درست و تشویقی باید ادامه پیدا کند.

بخشی از گفته‌های این نویسنده و پژوهشگر هنری در ایسنا



سینما، محرم و هوای تازه

سازمان سینمایی با نمایش بیش از ۳۰ عنوان فیلم سینمایی، کوتاه و مستند در کنار برنامه‌های تحلیلی، گفتمانی و مناسبتی به استقبال دهه محرم رفت. فیلم‌های «روز واقعه» شهرام اسدی، «شب دهم»، جمال شورجه، «به خاطر هانیه» کیومرث پوراحمد، «دست‌های خالی» ابوالقاسم طالبی، «عصر روز دهم» مجتبی راعی، «مستندهای اربعین» ناصر تقوایی، «کرپلا جغرافیای یک تاریخ»، «داریوش یاری، «بهبات» هادی نائیجی- دانش اقباشاوی- روح الله حجازی وهادی مقدم‌دوست، «پرواز در شب» و «افق» زنده‌یاد رسول ملاقلی‌پور، «ناسور» کیانوش دادوند، «من و زیبا» فریدون حسن‌پور، «سینه سرخ» پرویز شیخ‌طادی و «بال‌های سپید» مهدی و ناصر هاشمی از جمله فیلم‌های پیش‌بینی شده برای نمایش در این ایام، در دو مرکز سازمان سینمایی (قارابی و موزه سینما) خواهند بود. این آثار هر شب ساعت ۲۰ در محوطه باز موزه سینمای ایران به نمایش در می‌آیند. همچنین مستندهای عاشورا در ماسوله (پیمان زندی، حسین مگرمی)، اربعین (محمدتقی یازرو)، دهم (نیمامشهدی مهدی)، مخالف خوان (ماکان عاشوری)، نقل نخل (علی محمد ناصر باقعی)، تکیه کن (محسن خانجehانی)، اینجا خورشید می‌درخشد (الله کرم‌رضایی زاده)، نامیرا (پناه‌بر خردار ضایی)، شیرپوشان (ترگس آبیار) و تکیه دولت (علیرضا قاسم‌خان) در پلنفرم هاشور به صورت رایگان به نمایش در می‌آیند.

ماه محرم، مناسبات و آیین‌های خاص خود را همراه می‌آورد. بخشی از آیین آداب و مناسک، ریشه‌ای چند صد ساله دارند و برخی دیگر، از پدیده‌های دو محصول دوران تازه‌اند. نمایش فیلم، مستند و اجرای موسیقی و تئاتر، همزمان با ایام سوگواری امام حسین (ع) از آن دست برنامه‌هایی است که تازگی و بداعت دارد و برای مخاطب هم جذاب است. اجرای موسیقی-نمایش «علمدار» در سال ۹۹ نمونه‌ای از این تلاش‌های تازه بود، که با استقبال همراه شد.

اسمال سازمان سینمایی، با نمایش فیلم‌های سینمایی، مستند و کوتاه سعی دارد فضایی تازه در برنامه‌هایش ایجاد کند. فیلم‌های سینمایی که مرتبط با موضوع عاشورا هستند در موزه سینما و در فضای باز نمایش داده می‌شوند و فیلم‌های کوتاه و مستند به صورت آنلاین و به شکل رایگان، در معرض دید قرار می‌گیرند. این تنوع، نقطه بارز این طرح محرمی است، علاقه‌مندان به سینما و دوستداران هنر هفتم، بیش از تعدادی فیلم سینمایی قدرت انتخاب دارند و این فرصت به آنها داده شده تا آثاری را تماشا کنند که شاید دسترسی به آنها ساده نباشد. به‌نظر می‌رسد، توجه به انتخاب گونه‌های مختلف آثار مرتبط با موضوع عاشورا، فضای فرهنگی این ایام را غنی‌تر و متنوع‌تر می‌کند؛ به ویژه برای نسل جوان که نیازمند تغذیه از خوراک فرهنگی و دینی تازه است و شاید مانند نسل قبل، دلبسته آداب و رسوم قدیمی نباشد.

در حالی که سینمای کوتاه، مستند و بلند ایران، فیلم‌های جذاب و گاه کمتر دیده‌شده‌ای دارند که جز در جشنواره‌ها و محافل خاص دیده نمی‌شوند، نمایش آنها به مناسبت ماه محرم و ایام سوگواری، ارزش

یادداشت



محدوده و انعطاف‌پذیر روزنامهنگار

افزوده‌ای است برای آنهایی که به واسطه حرفه‌شان تنها تماشاگر صرف نیستند و اهل تحقیق و پژوهش و بررسی هستند. در سال‌های اخیر، با ضعف شدید سریال‌های مناسبتی به ویژه سریال‌های ماه رمضان، تماشاگرانی که ساعت‌هایی از اوقات فراغشان را پای این سریال‌ها می‌گذرانند، با کمبود محتوای تصویری مواجهند. نمایش چند باره «مختارنامه» هم متأسفانه رغبتی در مخاطبان ایجاد نمی‌کند، اما تماشای مستند و فیلم کوتاه طراوتی دارد که نمی‌توان به سادگی از آن چشم پوشید. امید که این حرکت، در مناسبت‌های ملی و مذهبی دیگر هم ادامه یابد و مراکز و نهادهای تولیدکننده و نمایش‌دهنده فیلم، با توجه به امکانات و دسترسی‌هایی که دارند، زمینه دیده شدن آثاری را فراهم کنند که هم ارزش هنری دارند، هم وجه مذهبی و معنوی؛ فیلم‌هایی که اگر درست و بجا عرضه شوند، نسل‌های مختلف از تماشای آنها لذت می‌برند و بسیاری از آنها را رنگ کهنگی نیست.

جهان‌های کمتر دیده‌شده از روابط انسانی

«پروژه ازدواج» از جذاب‌ترین‌های سینمای مستند ما در سال‌های اخیر است. چرا می‌گویم جذاب و آیا منظورم از جذابیت، کششی است که صرفاً برای علاقه‌مندان جدی این حوزه دارد یا به خاطر حضورهای فیلم در جشنواره‌های جهانی است؟ خیر، فیلم پروژه ازدواج برای تمام آنهایی که دوست دارند با افقی تازه از روابط انسان‌ها و جهان‌های کمتر دیده‌شده آشنا شوند، فیلمی جذاب است.

داستان فیلم در محلی اتفاق می‌افتد که از بیماران روانی نگهداری می‌شود و پزشکان بعد از رابزنی‌های مختلف به این نتیجه می‌رسند که شاید بد نباشد تعدادی از بیماران ازدواج را تجربه کنند. اینجاست که گره اصلی فیلم به وجود می‌آید. حالا از بین تمام آدم‌های این مجموعه دو کاراکتر اصلی داریم با داستان‌هایی متفاوت از زندگی که به هم علاقه‌مند شده‌اند. شما چه فکر می‌کنید؟ درست است که با هم ازدواج کنند؟ تصور عام از فیلم‌ها مستند فیلم‌هایی علمی، توضیحی یا حیات‌وحش است و شاید فکر کنید «پروژه ازدواج» چون فیلمی مستند است لاید حوصله سردر است اما

اطمینان داشته باشید که با دیدن این فیلم با یک قصه کاملاً جذاب مواجه شده و پیگیر لحظه به لحظه آن می‌شوید تا ببینید پایان آنها چه می‌شود، درست مثل یک فیلم داستانی. این ویژگی نتیجه ممارست، زحمت و تیزبینی کارگردان‌های فیلم است. عطیه عطارزاده و حسام اسلامی بیش از یک سال برای فیلمبرداری وقت گذاشته‌اند، این دو کاراکتر را دنبال کردند و با جزئیات به دنیای آنها و شکل‌گیری رابطه‌شان پرداخته‌اند تا ما ببینیم آدم‌هایی که به لحاظ روانی مشکلتی دارند پایه نیازهای زندگی‌شان با من و شمایی که نسبتاً آدم‌های متعادل‌تری هستیم یکی است؛ یعنی همان اندازه که من و شما به عشق نیاز داریم آنها هم دارند. حتماً می‌دانید که عشق از مهم‌ترین تم‌های ادبیات، سینما و در مجموع هنر بوده است خیلی از آثار بر اساس عشق شکل گرفتند؛ یعنی تم عشق در آنها گسترده شده تا طعم و رنگ زندگی بگیرند.

با دیدن این فیلم متوجه می‌شوید که عشق چقدر برای انسان حیاتی است و حتی آدم‌های تک افتاده‌ای که در بخش روانی یک مؤسسه نگهداری می‌شوند هم وقتی پای عشق به میان می‌آید رنگ و عطر زندگی‌شان متفاوت می‌شود. فرقی نمی‌کند شما در خیابان پنجم نیویورک زندگی کنید یا در کاتماندو نیپال یا در تهران، همگی نیازمند رابطه عاطفی بر مدار عشق هستیم و «پروژه ازدواج» جذاب و صمیمی این داستان را به ما نشان می‌دهد و به همین خاطر است که با آن همدات‌پنداری می‌کنیم چرا که همه ما یا در عشق شکست خوردیم یا موفق شدیم یا در یک رابطه عاشقانه هستیم یا…

«پروژه ازدواج» جدا از مباحث تکنیکی سینمای مستند که جای آن در این نوشتار نیست، آنقدر خوب کاراکتر و رابطه آدم‌ها را دنبال می‌کند که ما لحظه

به لحظه با آنها همراه می‌شویم، از کشف دنیای آنها لذت می‌بریم و در پایان برخلاف فیلم‌هایی که فقط سرگرم‌کننده‌اند به آگاهی می‌رسیم و با جهان تازه‌ای از آدم‌ها، روابطشان، احساساتشان و جهان‌بینی‌شان آشنا می‌شویم و به خودمان می‌گویم چه افق عجیبی در زندگی بشر وجود دارد حتی برای کسی که به لحاظ روانی مشکلتی دارد پایه و مبنای یکی از حس‌های خوشایند زندگی، عشق است.

همین اتفاق شاید به زندگی شخصی ما کمک کند تا متفاوت به دنیا نگاه کنیم. این تفاوت و تغییر نگاه احتمالاً مهم‌ترین اتفاقی است که ممکن است یک فیلم مستند برای مخاطب ایجاد کند. فیلم مستند «پروژه ازدواج» به ما کمک می‌کند تا از زندگی کم‌کنیم، مکتی داشته باشیم و به خودمان و احوال‌مان بیشتر فکر کنیم، حتی اگر بعد از دیدن فیلم چشممان خیس شده باشد.

یادداشت

پیشنهاد



مهدی کنجی مستندساز

سواد رسانه؛ بخشی از مهارت فرزندپروری

در دنیای هوشمند و دیجیتال امروز فرزندپروری هم داستان‌ها و مسائل خودش را دارد و برای اینکه در این فضا بتوانیم موفق تر وارد عمل شویم، باید نیازهای این عصر را بفایم. اصلی‌ترین نیاز در این عرصه و این دوران، این است که فضای دیجیتال را به قدر کافی بشناسیم تا بتوانیم فرزندانمان را در این فضا هدایت و حمایت کنیم. در واقع مادامی که ما از دنیای هوشمند فاصله داریم، ممکن است آموزش و پرورش فرزند ما و حتی خود او با خانواده ما به مخاطره بیفتد. اگر به چند دهه قبل بازگردیم، به خاطر می‌آوریم که والدین و خانواده‌ها در مسیر رشد و تربیت به چه ترتیب با فرزندان برخورد می‌کردند و چگونه وارد تعامل می‌شدند که فرزندان را در مسیر مناسب رشد و تعالی که مطابق با فرهنگ خوشایند خانواده نیز باشد، قرار دهند؛ برای مثال به بازی‌های دسته جمعی بازگردیم. در واقع اگر کمی تأمل کنیم و بازی‌هایی را که در گذشته در خیابان، در حیاط‌خانه یا تا همین چند سال قبل در آپارتمان انجام می‌دادیم، از منج و مار و پله گرفته تا شطرنج و دبلنا و هفت سنگ و وسطی و تگرم به هوا و قایم باشک به خاطر بیابوریم، این سؤال برایشان پیش می‌آید که ما این بازی‌ها را چگونه و با چه کسی یاد می‌گرفتیم؟ بی‌گمان ما به شکل مادرزاد و ژنتیکی از بدو تولد این بازی‌ها را بلد نبودیم و به این بازی‌ها تسلط نداشتیم. ما در گردهمایی‌ها، در مهمانی‌ها و در دورهمی‌هایی مثل اعیاد و سیزده به در و چهارشنبه سوری … در خانواده از بزرگترها این بازی‌ها را می‌آموختیم و بعد با گروه همسالان آموخته‌هایمان را برای کودکان و در آنها مهارت پیدا می‌کردیم. در واقع این بخشی از مهارت فرزندپروری بود که والدین و بزرگترها نسل به نسل و سینه به سینه چون سایر آموزه‌های فردی و اجتماعی به فرزندان خود می‌آموختند.

حالا آمده‌ایم در یک عصر و دورهای به نام عصر دیجیتال و هوشمند. اگر والدین این تسلط و تبحر و این مهارت کامل و کافی را نسبت به فضای هوشمند کنونی نداشته باشند و زمین بازی و اصول بازی در دنیای مدرن را نشناسند، آیا می‌توانند لگویی مناسب و راهنمای تمام و کمالی برای فرزندان خود باشند؟ بی‌تردید خیر. ممکن است برخی بپرسند فضای هوشمند در بسیاری عرصه‌ها بسیار تخصصی است، آیا والدین باید همه این دانش‌های نوین را بیاموزند؟ آیا اصلاً والدین پریشغله این عصر فرصت چنین آموزش‌هایی را دارند؟ خیر. اصلاً چنین توقعی نیست؛ اما یک اصل وجود دارد و آن آموختن سواد رسانه‌ای است. ما در جایگاه بزرگترها و والدین، وقتی اصول سواد رسانه‌ای را در حد سنده و حداقلی بدانیم؛ یعنی فاکتورهای مربوط به روان شناسی رشد و یادگیری، روان شناسی ارتباطات، جامعه شناسی و… را بشناسیم، در می‌یابیم که با چالش‌ها و مشکلات این فضا مانند قطع و وصل شدن، بلاک شدن، حریم خصوصی، به اشتراک‌گذاری و دیده شدن افراطی و… چگونه برخورد کنیم؛ از این رو فرزندان ما برای زیستن در این فضا به سراغ دیگران نمی‌روند تا چالش‌هایشان را حل کنند. اگر ما سواد رسانه نداشته باشیم، ممکن است فرزندان ما گرفتار سوءاستفاده افراد نااهل شوند یا در پایین‌ترین حد آسیب، در معرض یادگیری از کسانی قرار بگیرند که حد و مرزهایشان با ما متفاوت است یا در جهت منافع و نیاز و خواسته خود گام برمی‌دارند.

عکس نوشت

گروه‌های هنری چهارمحال و بختیاری در ایام همه‌اول ماه محرم با اجرای تیزره و حرکت کاروان‌های نمادین در سطح استان در سوگ

اباعبدالله (ع) عزاداری می‌کنند. ایران تئاتر

تسا



تا داستان

ظاهر بریده نشود،

بال‌های بهشتی نخواهند رست. اگر آسمان دنیا

بهشت است، آسمان بهشت کجاست که عباس

بن علی پرندۀ آن آسمان باشد؟

فتح خون، سیدمرتضی آوین، نشر واحة

عاشورا حرکتی در امتداد «بعثت» و «غدیر» و چالش جهت‌بین «فلسفه‌انظار»

فراموشی مردم

زمینه‌ساز خداد کربلا

در باور تاریخ نمی‌گنجد پس از ۵۰ سال که رسول گرامی اسلام (ص) در پایان حجة الوداع در وادی غدیر خم دست علی بن ابی طالب(ع) را در دست گرفته، بالا آورد و گفت: «هر که من مولای اویم، پس علی

مولای اوست.» سر بریده فرزندش حسین (ع) بر سر نیزه‌ها بالا رفته و از کوفه تا شام، شهر به شهر و وادی به وادی گردانده شود. پس حافظه تاریخی به‌علاوه محبت به پیامبر آخر الزمان از سوی امت کجا رفت؟! انصاف آن است که حداقل، غلبه معنوی رسول خدا(ص) باید مانع علنی کردن این جنایت می‌شد نه اینکه بدان تفاخر شده و به نشانه پیروزی بر دشمنان خدا و خلیفه حاکم به رخ اهالی شهرها کشیده شود. بسیاری از مسلمانان صحنه‌های ابرازعلاقه‌مندی و اظهار محبت پیامبر نسبت به حسین(ع) را دیده و از آن خاطره‌ها داشتند. چطور شد که آن همه نادیه گرفته شده و در یادها نماند؟! در فاصله این دو رخداد چه اتفاقی افتاده بود که مردم این‌گونه نسبت به این قاجعه حداقل بی‌تفاوت بودند؟!

همه مسلمانان در وقوع واقعه غدیر با تفاوت‌هایی در عبارات، متفق‌القولند و جملگی بر نزول ابتدا آیه تبلیغ از سوی امین وحی، حاوی این مضمون که: «ای رسول! آنچه را از سوی پروردگارت بر تو نازل شده [به مردم] برسان. اگر این کار را نکنی، رسالت الهی را به انجام نرسانده‌ای و خداوند از مردم نگاهت خواهد داشت.» سپس آیه اکمال دین اعتراف دارند. پس چرا از خود نمی‌پرسند دلیل این اهتمام الهی و سه روز معطلی کاروان حجاج در وادی غدیر برای بیعت تک تک حاضران با علی(ع) در حضور پیامبر، چه بوده است؟! این است که باید گفت عاشورا در نتیجه بی‌اعتنایی و فراموشی پیام بعثت رسول خدا(ص) در وهله اول و رخداد غدیر خم در مرحله بعدی به وقوع پیوست. متأسفانه این فراموشی خیلی زود یعنی ۷۰ روز بعد از رخداد واقعه غدیر در رحلت پیامبر خدا آثار خود را نشان داد. آثار و تبعاتی که در حوادث پیاپی و تلخ دیگری رخ نمود.

آن روز ریحانه رسول خدا حضرت فاطمه(س) با حضور در مسجدالنبی برخی از آن بسیار را یاد آور شده و ضمن خلبه‌ای که منسوب به آن حضرت است، خطاب به مردم مدینه می‌فرماید: «...مردم به یاد دارید- قبل از بعثت رسول خدا(ص) - در زندگی به لحاظ معیشت و هم به لحاظ اخلاقی در درگاه آتش بودید!... جمعیتی متفرق بوده و به روی هم تیغ می‌کشیدید!... از خانه‌های یکدیگر چیز می‌ربودید و ناموستان در امنیت نبود. با این حال گمان می‌کردید زندگی همان است که دارید. دلبری و عزت و افتخار از آن شماس‌احال آنکه نه کشاورزی داشتید، نه صنعتی. در کمین می‌نشستید تا یکی از شما شکاری برده باشد تا آن را از او بریاید و آن یکی همسر دیگری را بفریبد. هر کس زورش می‌رسید شکم دیگری را پاره می‌کرد.

بی‌خبر از دنیا و آخرت، بی‌خبر از زمین و آسمان، در منتهای جهل و بدبختی، در منتهای خفت و خواری! خداوند به برکت پیامبرش و رسالت اسلامی به شما موقعیت داد، اجتماع داد، راه زندگی را به شما نمایاند و از شما ملتی قوی و فاتح ساخت. پیامبر برای این همه چه گرفتاری‌ها کشید و چه ناملایماتی را پشت سر گذاشت!...» و بنا این بیان‌ها از فراموشی پیام رسالت پدرش و عدم حمایت از علی(ع) از مردم مدینه گلابه کرد. براستی حق رسالت رسول خدا این بود که بعد از آن همه خدمت به مردم، آشکارترین پیامش در غدیر خم که مؤید به تأییدات الهی بود به این زندگی زودی فراموش شود و در فاصله ۵۰ ساله سر بریده حسینش بر سر نیزه‌ها شهر به شهر گردانده شود. آیا خداوند ما نیز به منظور راه بستن بر تکرار عاشورایی دیگر از وقایع تاریخی عبرت بگیریم و با عدم فراموشی مسئولیت خود به پیام عاشورا که همان پیام بعثت و غدیر است عمل کنیم.

پیام رسالت محمدی (ص) و وقیام حسینی(ع) در یک راستا همانا عدالت خواهی و بر مدار عدالت بودن است، که لازمه آن حریت، وفا داری، راستی و درستی و در یک کلام داشتن تقوی و جلب رضایت الهی است. همان بیانی که اباعبدالله(الحسین(ع) در پایان کار و لطمات قبل از شهادت فرمود: «ای‌ها رضایقتان که تسلیم‌لا مکرک لا معبود سواک با غیاث المستغیثین.»

